

بخش دوم

پردهء دوم نمایشنامهء اسقاط

نویسنده: قاری عتیق الله ساکت

پس از تکمیل چند دوره توزیع دروغین و دست بدست شدن بسته های قرآن با سامانه های اسقاط بالاخره پارچهء تمثیلی که زیرنام "حیلهء شرعی" انجام میشود، پایان میپذیرد، و همین شخص که با تظاهر و دروغ آن بستهء پیچانده را به هرکس میداد و میگرفت و ازیشان اعتراف میگرفت، سرانجام آن بسته را باز میکند و اشیا و محتویات درون آن بقیچه را که شامل قرآن، پول نقد، جاینماز، مسواک و غیره میشود، همه را کشیده به ترتیب جایگاه و مرتبت خیرات خوران تقسیم مینماید ولی اینبار با این تفاوت که دیگر هیچیک از طرفین از داد و گرفت حرفی به زبان نمیآورند و آن شخص محتویات آن بسته را براستی برای آنها توزیع میکند. درین تقسیم بندی که میان خیراتخواران و افراد مفلوک اسقاط خور صورت میگیرد، ملاها و روحانیون به اصطلاح علمای محترم حق تقدم دارند و اشیای نسبتاً قیمتی چون دستار، جاینماز، لباسهای بازمانده و متروکهء میت، بایک مشت پول برای ایشان به شمول شخص امام و دیگر ملاها توزیع میگردد. سپس زمانیکه اشیا و اجناس متذکره با یکمقدار پول برای ایشان توزیع و بپایان رسید، برای سایر خیراتخواران و اسقاط خوران که بخاطر بدست آوردن خیرات تا آخر جلسه می نشینند، مبلغ ناچیز پول تقسیم و اعطا میشود. درین فرصت چون ثروت و مکننت هر شخص فرق میکند، بعضیها از عهدهء توزیع پول برای تمام خیراتخواران اشتراک کننده میبرایند ولی بعضی ها نسبت تنگدستی همینکه چند نفر فقیر را از مال خیرات میدهند دیگر نمیتوانند به هریک از فقرای نشسته مساویانه پول را تقسیم نمایند و برایشان بدهند، اینجاست که پول خیرات ایشان تمام میشود ولی آنده خیراتخواران که از توزیع اسقاط محروم مانده اند همهء شان بالای شخص توزیع کننده هجوم میآورند و بالابه وزاری تاسرحد چور و زدو خورد مراسم تدفین را برهم میزنند و هیاهوی بزرگی را برپا مینمایند. بعضی اوقات درین میان حرص بعضی علمای دینی ما ازین هم بالاتر میرود و ایشان با گماشتن یک یا چند نفر افراد گماشته شدهء شان و یا افراد که بنام "طالب مسجد" و یا نام های دیگری چون، مؤذن، خادم، طالب و یا قاری یاد میشوند، یک مقدار اجناس و پول دیگر را هم از نزد نمایندهء اقارب میت بنام "حق خادم" یا "حق مؤذن" و غیره از وی میستانند. بالاخره پارچهء تمثیلی اسقاط خوری با اینگونه نمایش افتضاح آمیز که نقش آفرینان این نوع درامهء ننگین اقارب میت، ملاها و روحانیون و گداها میباشد، بپایان میرسد و بعد ازینکه اقارب میت توانستند این مراسم خنده آور را بپایان برسانند، همهء شان دوباره متوجهء جسد میت میشوند و بقیهء مراسم را که عبارت از مراسم بخاک سپاری است، از سرمیگیرند تا اورا از زمین بردارند و به قبر بگذارند. در تمام مدت این پارچهء تمثیلی هم مرده که نخست جنازهء اوازنگاهء شریعت حق تعجیل و تسریع را بالای زنده ها برای دفن کردن دارد و هم مردم که از جاهای مختلف بخاطر حضور در مراسم نماز و تدفین میایند و وقت شان ضایع میشود، همه و همه بخاطر انجام این مراسم ساختگی مجبورند، تا آخرین نمایش را با دل ناخواسته تحمل نمایند.

درکنار قبر:

سرانجام مراسم اسقاط با تمام دروغ پردازی و نیرنگبازی آشکار در برابر چشمهای حاضرین پایان میرسد و خرافه پرستان عوام به شمول عالم نماهای دین فروش پس از اینکه از انجام این بدعت بزرگ فراغت یافتند در اطراف حفرهء نسبتاً عمیقی که بنام قبریادمیشود، گردهم میایند. اینجا باید جسدمرده را به داخل قبر گذاشته، سپس سنگ لحد را بالایش قرار دهند و بعد بر سر وی خاک بریزند. پس از اینکه خاک را بالای قبر ریختاند و این مراسم هم پایان رسید، درین هنگام همان ملا و چندتن روحانی که درست چند لحظه پیشتر در مقابل یک مشت اجناس ناچیز مادی به زانو درآمده و با خواری و ذلت در پهلوی گداها نشسته بودند تا چیزی از مال خیرات را بگیرند، همین افراد بعنوان واعظ و مبلغ ایستاده میشوند و برای مردم درس دنیا گریزی و آخرت گرایی را تبلیغ و اینگونه ایشان را مورد خطاب قرار میدهند: ای مردم! دنیا ملعون است و اهل دنیا هم ملعون هستند. شما دنیا پرستان آخرت را فراموش کرده اید، و فریب زرق و برق دنیا و محبت مال و منال دنیا همهء تانرا کور و کر ساخته و آخرت را فراموش کرده اید.....

ولی متأسفانه که این حرف های زاهدانه از حلقوم کسی میبرآید که همین چندلحظه پیش بخاطریک مشت پول بسیار بسیار ناچیز و یا هم بدست آوردن لباسهای چرک، کهنه، و بازمانده میت، خودش زانو زده و در ارتکاب یک بدعت نابخشودنی مخالف سنت و شریعتاً ستم داشت. حالا همین افراد ایستاده میشوند و تمام حاضرین مراسم جنازه را بباد ملامتی میگیرند و میگویند که مگر کور شده اید، نمیبینید که سرانجام ما هم در گورستان میخسبیم، پس تاچه وقت به دنبال دنیا سرگردان هستید و حرص مال دنیا شمارا کور و کر ساخته است؟ چرا پند نمیگیرید، چرا به دنیا اینقدر عشق میورزید و همچو حرف های دلسرد کننده.

حالا اگر حتی یک کودک برای ایشان این پرسش را مطرح سازد که جناب ملا صاحب! جناب شما خودتان از فرط حرص و دنیا پرستی بایدک کشیدن آن لقب با عظمت "عالم" تاهمین چندلحظه پیش در کنار گداها نشسته بودید، آیا شما دنیا پرست هستید و یا مردم؟ مسلماً که او در برابر این ایراد کوچک گنگ خواهند ماند تاچه رسد باینکه یک شخص دانشمند واقعی بر اساس قرآن و حدیث در برابر ایشان استدلال کند و اینگونه اعمال زبونانه ایشان را از نگاه آیت و سنت مورد انتقاد و تحلیل قرار دهد که طبعاً ایشان هیچ دفاعیه و توجیهی شرعی برای خوردن مال اسقاط و مراسم اسقاط ندارند.

آنچه که خیلیها جالب است اینکه ایشان هر دوی این قول و فعل متناقض را درست در چندلحظه کوتاه و متصل بهم در برابر چشمان آنهمه مردم انجام میدهند. گویا که همه مردم را کور و کر پنداشته فکر میکنند که ایشان حتی از قدرت تحلیل و تفکر هم محروم هستند و یا اینکه همهء حاضرین فراموش کردند که اینها چندلحظه پیش چه میکردند!!! در همینجا و در همین مراسم درست چندلحظه پیش زمانی که سایر افراد اشتراک کننده ایستاده و ایشان را نظاره میکردند، اینها در برابر چشمان همه در یک حلقهء خاص مشتمل بر گداها نشسته بودند و در انتظار توزیع سامانه های خیرات لحظه شماری میکردند. اکنون باز همینها بر میخیزند و مردم را بباد ملامتی میگیرند که ای مردم! دنیا ملعون است و اهل آن هم ملعون است و شما هم ملعون هستید که فریب دنیای ملعون را خورده اید!!!

بعضاً هم اتفاق می افتد که ایشان در خلال مواعظه شان اداره گفتار و سخنرانی خود را بیکبارگی از دست میدهند و حتی حرف های از دهانشان میبرآید که مستقیم به آبرو و توهین کردن حاضرین می انجامد

و ناسرحد تحقیر، همهء مردم و حاضرین مجلس را بباد نکوهش میگیرند و آنها را بالفاظ نهایت رکیک و جملات زننده سرزنش میکنند و این نوع بی نزاکتی و پامال نمودن آبرو و عزت مردم را زیرنام دین و تبلیغ دینی توجیه میکنند که من نمیگویم خدا میگوید.